

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال هفتم، شماره پیاپی ۲۲، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸
صص ۱-۱۶

بررسی تأثیر دینداری و بیگانگی اجتماعی بر هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز

کمال کوهی، دانشیار جامعه‌شناسی، مؤسسه تحقیقات اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز،
تبریز، ایران*

طیبه فریادی، کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه روابط بین دینداری و بیگانگی اجتماعی با هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی است. پژوهش به روش پیمایشی انجام شده و جامعه آماری آن دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز است که ۳۶۳ نفر از آنها برای مطالعه انتخاب شده‌اند. روش انتخاب دانشجویان نیز براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی و متناسب بوده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از نسخه ۲۲ نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند میزان هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی در سطح بالا قرار دارد. همچنین نتایج تحلیل استنباطی نشان دهنده آن است که متغیر دینداری اثر مستقیم و مثبتی بر هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی داشته است؛ در حالی که اثر متغیر میزان بیگانگی اجتماعی بر هم‌نوایی دانشجویان با هنجارها معکوس و منفی بوده است. در مجموع این دو متغیر توانسته‌اند ۴۲/۸ درصد از تغییرات هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی را تبیین کنند؛ بنابراین، دینداری و بیگانگی اجتماعی از عوامل تأثیرگذار بر هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی‌اند.

واژه‌های کلیدی: هم‌نوایی، هنجارهای اجتماعی، دینداری، بیگانگی اجتماعی.

مقدمه و بیان مسئله

افراد در زندگی اجتماعی روزمره خود خواسته یا ناخواسته کارهای بسیاری را انجام می‌دهند که در راستای قوانین اجتماعی اند؛ در واقع، اعضای جامعه آنها را به منزلهٔ هنجاری اجتماعی پذیرفته‌اند. وجدان بشری یا افراد جامعه بیشتر هنجارها را تعریف می‌کنند؛ این تعریف با هدف زندگی اجتماعی آرام‌تر و مرفه‌تر صورت می‌پذیرد. در مقابل، مردم جامعه هرگونه کجروی و ناهنجاری و ناهمنوایی با آن را مانع رفاه و آرامش زندگی اجتماعی خود می‌دانند و آن را نمی‌پذیرند. خانواده اولین پنجرهٔ ارتباطی فرد با جهان خارج است و به‌طور معمول نخستین تجربه‌های اجتماعی افراد در خانواده اتفاق می‌افتد. به این ترتیب خانواده مهم‌ترین واحد انتقال‌دهندهٔ ارزش‌ها و هنجارها به افراد است و نیازها و خواسته‌های جامعه را به آنها می‌آموزد و این شناخت، آنها را به‌گزینش شیوهٔ رفتاری معین و باورکردن شخصیتشان رهنمون می‌کند. ارتباط انسان‌ها اساس شکل‌گیری جامعهٔ انسانی به معنای واقعی است (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۱). همان‌گونه که امیل دورکیم با تأکید زیاد خاطر نشان کرده است، همبستگی و انسجام گروهی و اجتماعی، در جریان فرایند جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد (ریوتورت، ۱۳۸۰: ۹۴-۹۳). هنجارها راهنمای همهٔ فعالیت‌های انسان در جامعه‌اند و تعیین می‌کنند فرد در شرایط گوناگون چه رفتاری را باید یا نباید داشته باشد. کژرفتاری پدیده‌ای است که به طریقی با انتظارات مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می‌دانند. جامعه افرادی را که با ارزش‌ها و هنجارها هماهنگ و همساز باشند، «سازگار» یا «همنوا» و کسانی را که برخلاف آنها رفتار کنند، «ناسازگار» یا «ناهمنوا» می‌خواند؛ در واقع، کسانی که با هنجارهای جامعه همنوا هستند، «بهنجار» شمرده می‌شوند و آنان که همنوایی ندارند، «نابهنجار» نام می‌گیرند (ستوده، ۱۳۸۹: ۳۵). نبودن همنوایی اجتماعی یا تأثیر متغیرهای تأثیرگذار در کاهش آن، عامل عمده در شکل‌گیری روند فرار از نظم و ترتیبات عام اجتماعی است. افراد هر قدر نسبت به مشترکات فرهنگی و آرمانی خود همبسته و در برابر ارزش‌های

همه‌خواهانه تسلیم باشند، تعهد و پایبندی‌شان در رعایت هنجارها و قواعد زندگی جمعی بیشتر خواهد بود. بنا به نظر چلبی، «وجود میزانی از نظم اجتماعی برای هر جامعه‌ای ضروری و لازم به نظر می‌رسد که ابراز این نظم همان همنوایی اجتماعی است» (کفاشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۷). ناهنجاری‌های رفتاری از جمله عواملی اند که به تدریج نظم اجتماعی را مختل می‌کنند؛ بنابراین، بررسی و شناخت علل ناهنجاری در هر اجتماعی می‌تواند در تصحیح روند جامعه‌پذیری و نظم اجتماعی مؤثر باشد (نانوای، ۱۳۸۶: ۱۱۹). انزوا و جامعه‌گریزی حالتی است که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ یعنی شخص احساس می‌کند با کسی یا جمعی ارتباط ندارد (ستوده، ۱۳۸۹: ۷۷). در صورتی که دلبستگی به افراد و نهادهای اجتماعی یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود فرد خود را در ارتکاب کژرفتاری آزاد بداند (ستوده، ۱۳۸۹). مهم‌ترین سرمایه هر جامعه نیروی انسانی آن جامعه است و از میان آن، نیروهای جوان از جمله دانشجویان از قشرهای بسیار مهم و یکی از منابع هنجارفرست تلقی می‌شوند. مسیرهای پژوهش و ارتقا و پیشرفت جوامع با پویایی و شادابی این قشر مهم فراهم می‌شود و اگر زمینه‌ها و بسترهای لازم فراهم نشود، یک بیماری و مسئله مهم اجتماعی به نام «بیگانگی اجتماعی» سبب آسیب‌پذیری آن خواهد شد. «از نظر هربرت بلومر، یک مسئله اجتماعی در جامعه وجود آشکار پیدا نخواهد کرد مگر آنکه به‌منظور تداوم حیات اجتماعی آن جامعه، تصمیم به شناسایی آن مسئله گرفته شود» (بخارایی، ۱۳۹۳: ۵۹).

رواج احساس انومی میان افراد جامعه موجب ازکارافتادن معیارها و هنجارهای همگانی و به دنبال آن رشد و گسترش فردگرایی غیراخلاقی می‌شود. بروز مشاجره‌ها و درگیری‌های افراد در حوزه‌های فردی و غیرفردی می‌تواند ناشی از رنگ‌باختن معیارهای اخلاقی، قواعد ازکارافتاده و قاعده‌گریزی افراد جامعه باشد؛ اینها ویژگی‌های جامعه‌ای است که در آن هنجارها تضعیف شده‌اند. پدیداری چنین پنداشتی در ذهنیت

تبریز با هنجارهای اجتماعی چقدر است و آیا دینداری و بیگانگی اجتماعی بر آن تأثیرگذار است یا خیر.

ادبیات نظری پژوهش

امیل دورکیم بر این باور بود که اگر در جامعه‌ای «همنوایی اجتماعی» - نیروی کششی که افراد جامعه را به هم می‌پیوندد - قوی باشد، اعضای آن جامعه به احتمال زیاد با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند؛ ولی اگر در جامعه‌ای هم‌نوایی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به‌سوی «رفتار مجرمانه» کشیده شوند؛ به بیان دیگر، افرادی که با اجتماع خود هم‌نوایی دارند، به پیروی از مقررات آن تمایل دارند؛ در حالی که کسانی که از اجتماع بریده‌اند، ممکن است به نقض آن مقررات تمایل داشته باشند. افرادی که برخلاف هنجارهای سنتی و معیارهای خانوادگی و اجتماعی رفتار کنند، از سوی دیگران برای هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی زیر فشار قرار می‌گیرند. به این صورت که افراد ناهم‌نوا از جامعه طرد یا تمسخر و استهزا می‌شوند. گروه‌های همسالان و افراد دارای موقعیت مشابه و گروه‌های مرجع نقش مهمی در هم‌نوایی افراد ایفا می‌کنند (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۵). از دیدگاه دورکیم، نتیجه عمده نبود مقررات اجتماعی - که نشان‌دهنده جوامع در حال جهش است - کم و سست شدن انسجام و هم‌نوایی آن است و این همان چیزی است که دورکیم با مفهوم «آنومی» به‌وضوح آن را بیان می‌کند. این کلمه که در لغت به معنای نبود قانون است، از نظر دورکیم ضعیف و کم‌شدن سلطه هنجارهای اجتماعی روی رفتارهای فردی است (ریوتورت، ۱۳۸۰: ۱۲۱). دورکیم برای توضیح اینکه چگونه افراد، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را می‌پذیرند و رفتار خود را با آنها تطبیق می‌دهند، از نظریه «تساویر جمعی» استفاده می‌کند و معتقد است در جامعه حالات، باورها، عقاید و ارزش‌هایی وجود دارند که با استفاده از ضمانت‌های اجرایی - که مهم‌ترین آنها قوانین موضوعه‌اند - به فرد تحمیل می‌شود و فرد چاره‌ای جز پذیرش این «تساویر جمعی» ندارد. از مطالعه نظرهای او چنین برمی‌آید که او

افراد جامعه بر کنش‌های آنان نیز تأثیر می‌گذارد. فردی که احساس آنومی دارد، اطراف خود را پراشوب می‌بیند، هیچ ضابطه و قاعده‌ای را بر نمی‌تابد، در نظرش هنجارها تنظیم‌کننده رفتار، مبهم و ناکارآمدند، به خزیدن در کنج انزوا تمایل دارد و نسبت به جامعه خودش بی‌اعتماد است. به قول هابرماس تشدید چنین احساسی در جامعه بین افراد سبب انسداد کنش ارتباطی و عقیم‌مانده حوزه عمومی می‌شود (طالبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲).

بررسی اجمالی وضعیت هم‌نوایی با هنجارها و شرایط آنومیک در جامعه به‌ویژه جامعه دانشگاهی نشان می‌دهد نسبت چشمگیری از دانشجویان در وضعیت آنومیک قرار دارند (شیانی و علی‌محمدی، ۱۳۸۹: ۲۱) و احساس آنومی ۱۸/۵ درصد دانشجویان پایین، ۶۵/۵ درصد متوسط و ۱۶ درصد بالاست که نشانگر احساس آنومی متوسط رو به بالای دانشجویان دانشگاه تهران است (دانش و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۰۳). همچنین ۱۱/۳ درصد دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان از خودبیگانگی پایین، ۶۲/۷ درصد از آنها از خودبیگانگی متوسط و ۲۶ درصد از آنها از خودبیگانگی بالا دارند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹). در همین زمینه، میزان بیگانگی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد در سطح نسبتاً متوسط رو به بالا قرار دارد (فولادیان، ۱۳۹۴: ۱۲۵). در جامعه آماری پژوهش حاضر، یعنی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز، نیز با اقتباس از پژوهش جوادی و همکاران (۱۳۹۱: ۲۹) میزان احساس آنومی ۵۵/۶۱ درصد و متوسط رو به بالا گزارش شده است. با توجه به اینکه ساختار جمعیتی کشور به‌طور عمده نوجوان و جوان‌اند، این نیروهای جوان‌اند که آینده جامعه را رقم می‌زنند. اگر نیازها و خواسته‌های آنها برآورده نشود و دچار انواع آسیب اجتماعی بشوند، دیگر نمی‌توان آنها را نیروهای مفید در پیشرفت جامعه به‌شمار آورد؛ بنابراین، کل هزینه‌هایی که جامعه برای جامعه‌پذیری، تحصیل و آموزش آنها صرف کرده است، به هدر خواهند رفت. در مقاله حاضر کوشش می‌شود به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که میزان هم‌نوایی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

شخصیت انسان را محصول واکنش‌هایی می‌داند که از طریق فشارهای اجتماعی حاصل می‌شوند (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

بنا به نظر پارسونز، یکپارچگی به حفظ هم‌نوایی اجتماعی به منزله ارزشی اساسی اشاره دارد. کنش‌ها، نخست بر این اساس قضاوت می‌شوند که آیا به‌سوی افزایش یا کاهش یکپارچگی و همبستگی بین افراد جامعه کشیده می‌شوند یا نه؟ کنش اجتماعی پارسونز پیش‌فرضی است که به‌طور معمول نشان‌دهنده یک «معیار ارزشیابی» است. همه کنش‌ها را نمی‌توان هم‌ارزش و در خصلت، یکدست تلقی کرد. هر عملی که از انسان سر می‌زند، کم و بیش مطلوب، مفید، مهم و مطابق با استانداردهایی است که در جامعه، به صورت هنجار پذیرفته شده است (نواف و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۱). به نظر پارسونز، یک جمع با نوعی همبستگی مشخص می‌شود که «ویژگی آن نهادینه‌شدن جهت‌گیری‌های ارزشی مشترک است» (کوهن، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

به نظر کینگزلی دیویس، نظم اجتماعی ایجاب می‌کند که اهداف گروهی و ارزش‌های غایی، نسبت به خواسته‌ها و انگیزه‌های فردی تقدم داشته باشند. ارزش‌های غایی به‌صورت وراثتی به مردم منتقل نمی‌شوند؛ بلکه این ارزش‌ها باید با وسایلی به آنان آموخته و حفظ شوند. از آنجا که ارزش‌ها و اهداف غایی خواسته‌های جسمانی را کنترل می‌کنند، باید با قدرت تمام بر افراد مسلط باشند. اعتقاد به دنیای ماورای طبیعی و دل‌مشغولی با موجودات مقدس، موجب چیرگی هرچه بیشتر اهداف غایی می‌شود. دیویس چنین ادامه می‌دهد: «کمک دین به یکپارچگی اجتماعی، منحصر به فرد و غیرقابل چشم‌پوشی است» (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷: ۷۶).

از نظر دیویس، دین به‌منزله یک قلمرو ماورای طبیعی برای ایجاد پندار جبرگرایی اخلاقی ضروری است. این نیروی اخلاقی فرد را وادار می‌کند براساس ارزش‌های اجتماعی رفتار کند. به‌علاوه، به‌طور معمول اهداف اجتماعی بعضی از مردم را خشنود نمی‌کند یا آنان قادر نیستند به‌صورت برابری به آنها دست یابند؛ از این‌رو، جامعه اهداف متعالی را - که برای همه افراد، با هر منزلت اجتماعی این‌دنیایی، دست‌یافتنی است -

ایجاد کرده است تا ناکامی‌های این جهانی آنان را جبران کند و ناخشنودی و افسردگی آنان را کاهش دهد (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷: ۷۶)؛ بنابراین، با آنکه دیویس بر کارکردهای اجتماعی دین تأکید دارد، به کارکردهای روان‌شناختی آن هم توجه کرده است. نظریه‌پردازان کارکردگرایی بعدی، مثل بینگر، از دیویس بسیار فراتر رفتند و رویکرد روانی - اجتماعی کارکردگرایی را مطرح کردند. بر طبق این رویکرد، دین از یک طرف محصول ابعاد و نیازهای روان‌شناختی انسان است و از طرف دیگر، پدیده‌ای است که کارکردهایی برای نظم و ثبات اجتماعی دارد (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۰۵).

به نظر سیمن واژه بیگانگی امروزه چندان تداوم و عمومیت دارد که در تبیین هر چیزی بدان رجوع می‌شود. او در اشاره به رواج و توسعه این مفهوم در جامعه معاصر این نکته را متذکر می‌شود که ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد کرده است که در آن انسان‌ها قادر به فرایند نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به‌گونه‌ای است که فرد قادر نیست ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش دریافت کرده از جامعه برقرار کند. در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنش منفعلانه ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد (فولادیان، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

سیمن کوشیده است ضمن ارائه تعریفی مفهومی از بیگانگی و مشخص کردن سنخ‌شناسی بیگانگی، صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه‌گونه را در پنج نوع تمایزپذیر زیر ارائه دهد که به نظر او از رایج‌ترین و متداول‌ترین صور کاربرد مفهومی واژه در ادبیات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی‌اند:

الف) احساس بی‌قدرتی: عبارت است از احتمال یا انتظار تصور شده از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج موردانتظار نیست و او را به هدفی رهنمون نمی‌کند که براساس آن کنش او تجهیز شده است.

ب) احساس انزوای اجتماعی: واقعیتی فکری است که

اجتماعی به این نتیجه دست یافتند که افراد براساس «آگاهی معطوف به نظر» از چرایی و دلایل وجودی یک هنجار اجتماعی مطلع می‌شوند و براساس «آگاهی معطوف به نتیجه» می‌توانند یک امر هنجاری را تشخیص دهند و از تبعات رعایت هنجارها یا تخطی از آنها نیز آگاه شوند. افراد در زمان رویارویی با یک هنجار با ارجاع به پیامدهای احتمالی آن (مثبت یا منفی)، تصمیم به کنش می‌گیرند. از یک سو کنش‌های درونی مبتنی بر لذت‌طلبی یا جامعه‌ستیزی، وجودنداشتن فرصت‌ها و انسداد راه‌های مشروع برای دستیابی به اهداف بر همنوایی اجتماعی مؤثرند و از سوی دیگر، مقاومت فرهنگی خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در جامعه مانند خرده‌فرهنگ جوانان یا طبقات بالای جامعه با نوعی انحراف و تعارض عامدانه با هنجارهای مسلط همراه است (برای به‌چالش کشیدن قدرت حاکم) که این مسئله میزان همنوایی را به شدت کاهش می‌دهد. بر این اساس، تیپ‌های گوناگون همنوایی عبارت‌اند از: همنوایی متعهدانه، همنوایی مصلحت‌گرایانه، همنوایی اجبارگرایانه و همنوایی عادت‌گرایانه. تیپ‌های هنجارشکنی نیز عبارت‌اند از: هنجارشکنی غافلانه، هنجارشکنی عامدانه، هنجارشکنی منفعت‌گرایانه، هنجارشکنی اجبارگرایانه و هنجارشکنی عادت‌گرایانه.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیده‌اند که بین پیوند اجتماعی و قانون‌گریزی رابطه معنادار وجود دارد. نتیجه کلی اینکه هرچقدر فرد پیوندها و شبکه اتصال اجتماعی قوی‌تری با جامعه داشته باشد، به همان نسبت قانون‌مندتر خواهد شد.

ابراهیمی‌لویه و همکاران (۱۳۹۳) ادعا کرده‌اند که نارضایتی اجتماعی، فردگرایی و رسانه‌های جمعی متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر ایجاد بیگانگی اجتماعی بین جوانان ۲۰-۳۰ ساله است.

ماندگار (۱۳۹۲) به این نتیجه رسید که همنوایی اجتماعی شهروندان با متغیر فعالیت‌های مذهبی رابطه مستقیم و مثبت و با متغیر بیگانگی اجتماعی رابطه معکوس و معنی‌داری دارد.

در آن فرد نداشتن تعلق و وابستگی و انفصال تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. در این حالت فرد اعتقاد و باور نازلی نسبت به سازوکار ارزش‌گذاری و سیستم پاداش اجتماعی دارد و خود را با هر آنچه از نظر جامعه معتبر و باارزش است، هم‌عقیده و همسو نمی‌بیند.

ج) احساس بی‌هنجاری: به عقیده سیمن احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌قدرتی وضعیتی فکری و ذهنی است که در آن فرد این احتمال را به حد زیادی بر خود مفروض و متصور می‌دارد که تنها کنش‌هایی فرد را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌کنند که جامعه آنها را تأیید نمی‌کند.

د) احساس بی‌معنایی: این شکل از بیگانگی زمانی مشهود است که فرد در باور و عقیده خود دچار شک و تردید و ابهام است؛ یعنی نمی‌داند به چه چیز اعتقاد داشته باشد؛ به عبارتی، او در تخمین و پیش‌بینی به نسبت دقیق رفتار دیگران و برآورد عواقب و نتایج رفتار خود با دشواری روبه‌روست.

ه) احساس تنفر از خویشان: سیمن میزان و درجه هر رفتاری را براساس پاداش‌های موردانتظار می‌بیند و همانند مارکس معتقد است پاداش به طور انحصاری در خود عمل نهفته نیست؛ بلکه نسبت به کار، امری خارجی است. به نظر سیمن در دنیای صنعتی، انسان کار می‌کند بدون آنکه به ارزش واقعی کار خود واقف باشد و از نتایج کار خویش بهره‌مند شود. نتیجه این امر، زوال و ازدست رفتن مفهوم واقعی کار و آغاز نفی خود در تولید است. در چنین وضعیتی فرد شانس و فرصت لازم برای خلق و تولید محصولی را نخواهد داشت که او را راضی و خرسند کند؛ در نتیجه، به نوعی احساس انزجار از روابط اجتماعی تولید گرفتار می‌شود (وٹوقی و ساری، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۱۷۹).

ادبیات تجربی پژوهش

پژوهش‌های متعدد انجام‌شده در جوامع مختلف نشان می‌دهند همنوایی با هنجارهای اجتماعی به عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و سیاسی بستگی دارد. در زیر به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

صادقی‌فسایی و امینیان (۱۳۹۵) در سنخ‌شناسی همنوایی

بررسی رابطه بین میزان و انواع دینداری با مدارای اجتماعی به این نتیجه رسیدند که تأثیر میزان دینداری بر ابعاد و مؤلفه‌های مختلف مدارا متفاوت است. هر چقدر افراد دیندارتر باشند، مدارای آنان نسبت به موضوعاتی مثل مسائل جنسی، جرم و ارتباط با غیرمسلمانان کمتر است. همچنین نوع دینداری اصلی‌ترین متغیر برای تبیین تغییرات مدارای اجتماعی است.

همچنین پژوهش‌های متعدد خارجی در زمینه موضوع پژوهش انجام شده است. برای مثال الفیوندی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که هنجارهای اجتماعی به‌طور سنتی فعالیت‌های بسیار مهمی در زندگی را شامل می‌شوند. هنجارها فعالیت‌های اجتماعی را کنترل می‌کنند و تأثیر زیادی بر هم‌نوایی اجتماعی و توسعه دارند. نقض در فرایند احترام به هنجارهای اجتماعی سبب بروز اختلافات اجتماعی و وجودناشتن پیشرفت در جامعه می‌شود.

فایلی^۲ (۲۰۱۶) هم‌نوایی اجتماعی در عراق را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که هم‌نوایی اجتماعی در عراق با هماهنگی سه عنصر اساسی یعنی دولت، فرهنگ و مذهب به دست آمده است و حفظ می‌شود.

بینمور^۳ (۲۰۱۰) بیان کرده است که احترام به هنجارهای اجتماعی می‌تواند در ارتقای عملکرد نظام اجتماعی برای رسیدن به رفاه اجتماعی در جامعه نقش مفیدی بازی کند.

یانگلی^۴ (۲۰۰۹) ارتباط مذهب، هم‌نوایی و بهزیستی ذهنی را در چین معاصر بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که بین ترجیحات ریسک و مذهب، همبستگی قوی وجود دارد. علاوه بر آن باورها و اعمال مذهبی برای دستیابی به همزیستی ذهنی میان چینی‌ها اهمیت بیشتری دارد. همچنین یافته‌های این مطالعه از نظریه جامعه‌شناختی انتخاب عقلانی برای تبیین روابط بین مذهب، هم‌نوایی و بهزیستی ذهنی حمایت کرده است.

زارع و اسفندیاری (۱۳۹۲) در پژوهشی میان دانش‌آموزان مقطع دبیرستان در مدراس دولتی شهرستان خواف و شهر بیرجند به این نتیجه دست یافتند که در خواف، متغیرهای پایبندی به هنجارهای دینی، پیوند با خانواده و پیوند با جامعه و در بیرجند متغیرهای فرصت‌های خانوادگی، پیوند با مدرسه و پیوند با جامعه به ترتیب بیشترین تأثیر را بر هنجارشکنی دانش‌آموزان داشته‌اند.

مریجی (۱۳۹۰) نیز نشان داد خانواده و آموزه‌های دینی از عواملی‌اند که در کاهش انحرافات اجتماعی نقش برجسته و انکارناپذیری دارند. می‌توان با بهره‌گیری از شیوه صحیح و تأییدشده تربیت دینی، رفتار فرزندان را مطابق با ارزش‌های حاکم شکل داد یا در اثر تدبیر بد و سخت‌گیری یا سهل‌انگاری در روش تربیت، راه انحراف و کجروی رفتاری و ناهم‌نوایی فرزندان را در جامعه هموار کرد.

در راستای پژوهش مریجی، توفیق‌یان‌فر و حسینی (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که بین هم‌نوایی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد و هرچه میزان هم‌نوایی اجتماعی جوانان در جامعه پایین باشد، میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می‌یابد.

حیدرنژاد خیاوی (۱۳۹۰) در بررسی رابطه بین میزان همزیستی اجتماعی و زمینه اجتماعی و فرهنگی بین دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی شهر تبریز نشان داد بین همزیستی اجتماعی و باورهای دینی، روابط خانوادگی، عوامل مدرسه‌ای و حمایت اجتماعی دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

و ثوقی و ساری (۱۳۸۷) نیز در پژوهش بیگانگی اجتماعی جوانان شهر تهران به این نتیجه رسیدند که متغیرهای عدالت اجتماعی و رفتارهای ضد اجتماعی با بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار دارند؛ به این معنا که هرچه عدالت اجتماعی افزایش یابد، از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می‌شود و هرچه رفتارهای اجتماعی افزایش یابد، بر میزان بیگانگی اجتماعی افزوده می‌شود.

مشابه پژوهش مذکور، سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در

¹ Elfiondri et al.

² Faily

³ Binmore

⁴ Yang Liu

جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز در سال ۱۳۹۶ است. طبق آمار اعلام شده از طرف دانشگاه تعداد دانشجویان بالغ بر ۲۲۸۱۰ نفر است. تعداد نمونه براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران برای متغیرهای کمی براساس نتایج مطالعه مقدماتی ۳۶۳ نفر برآورد شده است. واحد تحلیل در این پژوهش دانشجویان بوده است.

$$n = \frac{NT^2S^2}{Nd^2 + T^2S^2} = \frac{22810 \times 3.84 \times 0.24}{22810 \times (0.05)^2 + 3.84 \times 0.24} = 363$$

T = ۱/۹۶: سطح اطمینان ۹۵ درصد

S² = ۰/۲۴: واریانس متغیر وابسته پژوهش براساس مطالعه مقدماتی

D = ۰/۰۵: حداکثر خطای پذیرفتنی

N = ۲۲۸۱۰

جدول ۱- آمار دانشجویان به تفکیک دانشکده‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

نام دانشکده	مرد	زن	تعداد دانشجویان	حجم نمونه
دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی	۴۱۷	۱۰۹۵	۱۵۱۲	۲۴
دانشکده علوم انسانی	۱۲۹۴	۲۴۱۳	۳۷۰۷	۵۹
دانشکده علوم پایه	۵۱۲	۷۸۸	۱۳۰۰	۲۱
دانشکده فنی و مهندسی ۱	۴۸۱۷	۱۴۱۱	۶۲۲۸	۹۹
دانشکده فنی و مهندسی ۲	۲۵۶۱	۹۷۸	۳۵۳۹	۵۶
دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری	۲۲۴۱	۱۱۸۳	۳۴۲۴	۵۵
دانشکده معماری و هنر	۱۳۰۷	۱۷۹۳	۳۱۰۰	۴۹
جمع	۱۳۱۴۹	۹۶۶۱	۲۲۸۱۰	۳۶۳

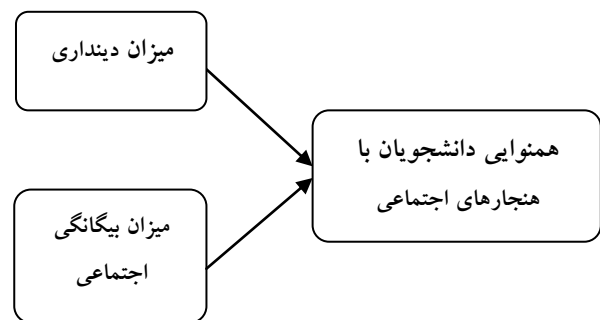
ولچ و همکاران^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی درباره داده‌های متروپلیتن به این نتیجه رسیدند که افراد دارای مذهب مسیحی، توانایی همنوایی اجتماعی بالاتری دارند. همچنین نتایج نشان دادند دینداری و خودکنترلی تأثیر معنی‌داری در کجرفتاری و وجودنداشتن همنوایی دارند.

در نهایت، ناکامورا در دو پژوهش جداگانه (۱۹۶۷; ۱۹۶۸) در ژاپن دریافت که رفتارهای افراد عضو در گروه‌های مذهبی، در مقایسه با افراد غیرعضو، با هنجارهای جامعه مطابقت بیشتری داشته‌اند و این دسته از افراد همنوایی بیشتری با هنجارها از خود نشان داده‌اند.

در مجموع براساس نظریه‌ها و پژوهش‌های قبلی می‌توان گفت همنوایی اجتماعی از عوامل مختلفی تأثیر می‌گیرد؛ بنابراین، برای بررسی روابط بین متغیرهای دینداری، بیگانگی اجتماعی با همنوایی اجتماعی دانشجویان با هنجارها فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

بین میزان دینداری دانشجویان و همنوایی آنها با هنجارهای اجتماعی رابطه وجود دارد.

بین میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان و همنوایی آنها با هنجارهای اجتماعی رابطه وجود دارد.



شکل ۱- الگوی مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش مبتنی بر پارادایم کمی و روش به‌کاررفته برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها روش پیمایشی بوده است.

روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری احتمالی بوده و از بین نمونه‌گیری‌های احتمالی به دلیل همگنی جامعه آماری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب استفاده شده است؛ به این صورت که تعداد نمونه‌های هر کدام از دانشکده‌ها

¹ Welch et al.

کرونباخ در یک مطالعه مقدماتی اصلاح و ویرایش و پرسشنامه نهایی برای گردآوری اطلاعات تنظیم شد. نتایج تحلیل اعتبار و پایایی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهند پرسشنامه هم اعتبار و هم پایایی بالایی دارد. نتایج تحلیل اعتبار به وسیله تحلیل عاملی و تحلیل پایایی به وسیله آلفای کرونباخ گویه‌های هر یک از متغیرهای مندرج در پرسشنامه به شرح جدول زیر است.

برحسب تعداد دانشجویان آنها گزینش شده است. دانشکده‌ای که تعداد دانشجوی بیشتری داشت تعداد نمونه زیادی به آن اختصاص داده شده است. در نهایت، داده‌های گردآوری شده با نسخه ۲۲ نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. پرسشنامه‌ها پس از بررسی اعتبار صوری آنها توسط چند نفر از متخصصان این حوزه و بررسی پایایی آن به وسیله فن آلفای

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی هم‌نواپی اجتماعی و پایایی آن

گویه‌ها	عامل‌ها و مقادیر ویژه آنها	آلفای کل
به حقوق دیگران احترام می‌گذارم. هنگام عبور از خیابان به چراغ راهنما توجه می‌کنم. معتقدم می‌توان با تعدیل نظرهای متفاوت در گروه، به رأی واحد رسید. در جمع کاری را انجام می‌دهم که به نفع جمع باشد. با پوشش مناسب در سطح جامعه حضور می‌یابم. معتقدم مشارکت در برنامه‌های گروهی موجب تقویت روابط گروهی می‌شود. در ارتباط با دیگران در جامعه مؤدبانه رفتار می‌کنم. در تعامل با دیگران همیشه خیر و صلاح آنها را در نظر می‌گیرم.	هم‌نواپی عمومی ۵/۰۵۶	۰/۷۶
موقع شروع کلاس، در کلاس حضور می‌یابم. در گذاشتن وسایلم در جای خود سستی نمی‌کنم. سر کلاس درس چیزی نمی‌خورم. در معاشرت با دوستان سعی می‌کنم مورد رضایت آنها باشم. طوری لباس می‌پوشم که در شأن دانشگاه باشد و جلف نباشد.	نظم دانشگاهی ۱/۶۸	
رعایت رنگ‌های مجاز در پوشش نشان‌دهنده وقار و متانت دانشجویست. لباسی را که به تیمم بیاید می‌پوشم؛ هر چند در شأن دانشگاه نباشد. به تذکرات اطرافیان درباره نحوه پوشش، اهمیت چندانی نمی‌دهم.	هنجارهای پوششی ۱/۳۴۱	
مقدار آزمون کایزر مایر برای کفایت نمونه‌گیری (KMO) آزمون بارتلت و معنی‌داری آن مقدار واریانس تبیین شده	۰/۷۵۱ ۱۹۲۴/۵(۰/۰۰۰) ۵۷/۹	

جدول ۳- نتایج تحلیل عاملی متغیر دینداری و پایایی آن

گویه‌ها	عامل‌ها و مقادیر ویژه آنها	آلفای کل
اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم فساد همه‌جا را پر می‌کند. در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود. قرآن کلام خداوند است و هرچه می‌گوید حقیقت محض است. کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌هراسد. گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام. بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است. بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد. باید با پدیده بدحجابی با قاطعیت مبارزه کرد. همیشه نماز را می‌خوانم و نمی‌گذارم قضا شود. بیشتر اوقات روزه‌هایم قضا می‌شود.	بعد اعتقادی ۴/۰۶	۰/۷۷۱
در مراسم‌های مذهبی (مولودی و عزاداری) شرکت می‌کنم. سعی می‌کنم در نماز جماعت مساجد شرکت کنم. به قرانت کتاب آسمانی قرآن کریم علاقه زیادی دارم. مقدار آزمون کایزر مایر برای کفایت نمونه‌گیری (KMO) آزمون بارتلت و معنی‌داری آن مقدار واریانس تبیین شده	بعد مناسکی ۱/۱۳	۰/۷۳۸ ۱۳۱۷/۴(۰/۰۰۰) ۶۵/۳۴

جدول ۴- نتایج تحلیل عاملی متغیر بیگانگی اجتماعی و پایایی آن

گویه‌ها	عامل‌ها و مقادیر ویژه آنها	آلفای کل
من احساس می‌کنم از خودم بیگانه هستم و احساس واقعی به باورهای خویش ندارم. احساس می‌کنم تسلط چندانی بر مسیر زندگی ندارم. من احساس می‌کنم با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود بیگانه نیستم. توانایی غلبه بر مشکلات در زندگی حال و آینده را در خود نمی‌بینم. از دست کسانی مانند من کار مفیدی برای جامعه بر نمی‌آید. زندگی دانشگاهی را پوچ و بی‌هدف می‌بینم. آینده را تیره و تار می‌بینم. زمانی که کاری انجام می‌دهم به پیامدهای آن اعتنایی ندارم. من احساس می‌کنم نمی‌توانم به اهداف موردانتظار خودم در آینده دست یابم. آینده شغلی خود را مبهم و غیرواضح می‌بینم. از شرایط حاکم بر زندگی خود متنفرم. با در نظر گرفتن همه چیزها، معمولاً فکر می‌کنم شکست خورده‌ام. ای کاش می‌توانستم احترام بیشتری برای خودم قائل شوم! در لابه‌لای چرخ‌های زندگی موجودی بی‌ارزشم. از اینکه در کنار دوستان هستم، احساس خوبی دارم. بیشتر دوست دارم تنها باشم. به جمعی که تعلق دارم، اطمینان چندانی ندارم. از شرایط زندگی خود متنفر هستم.	بی‌قدرتی ۶/۹۹۲	۰/۸۸
مقدار آزمون کایزر مایر برای کفایت نمونه‌گیری (KMO) آزمون بارتلت و معنی‌داری آن مقدار واریانس تبیین شده	انزوای اجتماعی ۱/۴۸۱	۰/۸۰۲ ۳۴۱۶/۸۷۷(۰/۰۰۰) ۶۳/۴۳

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش مانند میزان دینداری، میزان بیگانگی اجتماعی و میزان همنوایی با هنجارهای اجتماعی نشان می‌دهند میانگین دینداری، بیگانگی اجتماعی و همنوایی اجتماعی با هنجارها بین دانشجویان به ترتیب

۷۶/۹۴، ۵۰/۳۲ و ۸۲/۴۶ درصد بوده است؛ بنابراین، میزان دینداری و میزان همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی در سطح بالا و میزان بیگانگی اجتماعی در سطح متوسط قرار دارد. بقیه اطلاعات در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج تحلیل آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	میزان همنوایی با هنجارهای اجتماعی	میزان بیگانگی اجتماعی	میزان دینداری
تعداد نمونه	۳۲۹	۳۳۹	۳۳۲
میانگین	۸۴/۱۲	۵۴/۳۵	۵۵/۴۰
میانگین درصدی	۸۲/۴۶	۵۰/۳۲	۷۶/۹۴
انحراف معیار	۸/۹	۱۶/۴	۸/۱۶
خطای استاندارد میانگین	۰/۸۹	۰/۵۷	۰/۴۵
حداقل	۵۷	۲۴	۳۱
حداکثر	۱۰۲	۱۰۳	۷۲
دامنه تغییرات	۴۴	۷۹	۴۱

نتایج آزمون مقایسه میانگین میزان همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی برحسب متغیرهای زمینه‌ای نشان دهنده موارد زیر است: نخست، میانگین همنوایی دانشجویان پسر با هنجارهای اجتماعی در مقایسه با دانشجویان دختر به مراتب بیشتر بوده است و این میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۹ درصد اختلاف معنی‌داری تلقی می‌شود؛ زیرا سطح معنی‌داری آزمون تفاوت میانگین از سطح معنی‌داری ۰/۰۱ کوچک‌تر بوده است؛ بنابراین، جنسیت یکی از عوامل تعیین‌کننده در میزان همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شود. دوم، میانگین همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی برحسب وضعیت تأهل معنی‌دار نبوده است. سوم، میزان همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی برحسب سطح تحصیلات یکسان نبوده و اختلاف مشاهده شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار بوده است؛ به عبارت دیگر، میانگین همنوایی دانشجویان کارشناسی‌ارشد با هنجارهای اجتماعی به‌طور معنی‌داری بیشتر از میانگین همنوایی

دانشجویان کارشناسی بوده است. در نهایت، بررسی وضعیت همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی برحسب وضعیت اشتغال نشان داد میزان همنوایی شاغلان با هنجارهای اجتماعی در قیاس با دانشجویان بیکار به‌طور معنی‌دار و چشمگیری بیشتر بوده است و این میزان اختلاف (۴/۱۴) در سطح اطمینان ۹۹ درصد اختلاف معنی‌داری است.

نتایج تحلیل همبستگی بین متغیرهای همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی و متغیرهای میزان دینداری و میزان بیگانگی اجتماعی نشان می‌دهند بین میزان دینداری و همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی همبستگی مستقیم و مثبت قوی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، اگر میزان دینداری دانشجویان افزایش یابد، میزان همنوایی آنها با هنجارهای اجتماعی نیز بالا می‌رود و بر عکس؛ بنابراین، می‌توان گفت دانشجویان با دینداری بالا، همنوایی بالا و دانشجویان با دینداری پایین، همنوایی پایینی با هنجارهای اجتماعی دارند؛ در حالی که نتایج به‌دست آمده در زمینه میزان بیگانگی

اجتماعی می‌شود. همچنین تحلیل همبستگی با سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت و مستقیم بین سن و میزان همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی است. با افزایش سن دانشجویان میزان همنوایی آنها با هنجارهای اجتماعی بهبود پیدا می‌کند.

اجتماعی متفاوت‌تر است؛ به بیان دیگر، بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی همبستگی معنی‌دار معکوس و منفی مشاهده شده است. به این معنی که هرگونه افزایش در میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان سبب کاهش میزان همنوایی آنها با هنجارهای

جدول ۶- نتایج آزمون تفاوت میانگین میزان همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی برحسب متغیرهای زمینه‌ای

گروه‌ها	میانگین	تفاوت میانگین	مقدار T	سطح معنی‌داری
جنسیت*	پسر ۸۵/۹۳	۳/۶۸	۳/۸۶۹	۰/۰۰۰
	دختر ۸۲/۲۵			
وضعیت تأهل*	مجرد ۸۴/۱۷	۰/۵۷۹	۰/۵۰۶	۰/۶۱۳
	متاهل ۸۳/۵۸			
تحصیلات**	کارشناسی ۸۲/۹۷	-۳/۹۷۶	-۳/۵۹۸	۰/۰۰۰
	کارشناسی ارشد ۸۶/۵۷			
وضعیت اشتغال**	شاغل ۸۷/۰۸	۴/۱۴	۴/۴۵	۰/۰۰۰
	بیکار ۸۲/۹۴			

* با فرض برابری واریانس گزارش شده است؛ زیرا لوز معنی‌دار نبود. ** با فرض نابرابری واریانس گزارش شده است؛ زیرا لوز معنی‌دار بود.

جدول ۷- نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش با همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی

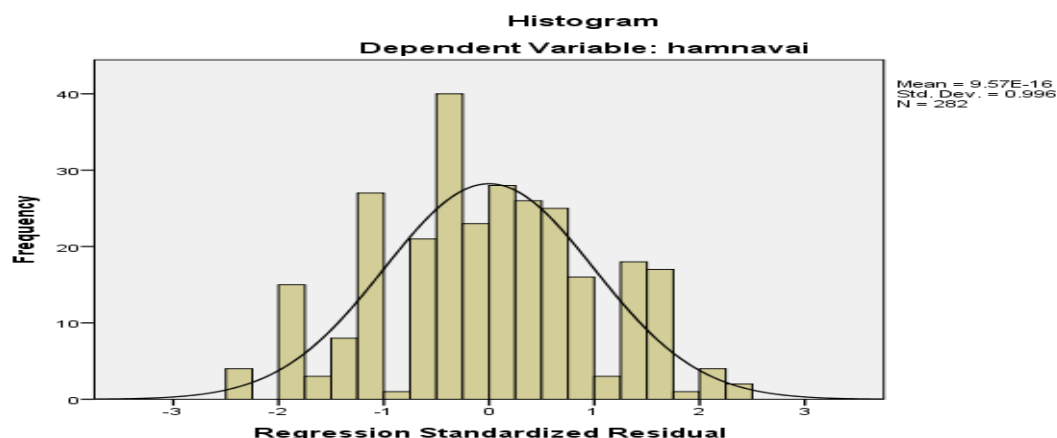
متغیرها	میزان دینداری	میزان بیگانگی اجتماعی	سن
ضریب همبستگی	۰/۵۵۷	-۰/۲۰	۰/۱۳۳
همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸
تعداد نمونه	۳۳۲	۳۶۳	۳۵۴

دارد و بقیه یعنی ۴/۸ درصد نیز به متغیر بیگانگی اجتماعی مرتبط است. بر همین اساس می‌توان گفت میزان دینداری مهم‌ترین عامل در همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی به شمار می‌رود. نتایج جدول تحلیل واریانس رگرسیونی نیز نشان‌دهنده آن است که دو متغیر دینداری و بیگانگی اجتماعی توانسته‌اند به‌طور معنی‌داری تغییرات متغیر همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی را تبیین کنند. همچنین ضرایب بتای استاندارد متغیرها نشان می‌دهند دینداری تأثیر افزایشی و بیگانگی اجتماعی تأثیر کاهشی در همنوایی

در این پژوهش برای بررسی سهم تأثیر هر یک از متغیرهای دینداری و بیگانگی اجتماعی بر متغیر همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی از رگرسیون خطی گام‌به‌گام استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این رگرسیون نشان می‌دهند هر دو متغیر میزان دینداری و بیگانگی اجتماعی وارد الگوی برازش رگرسیونی شده‌اند. این متغیرها در مجموع ۳۸/۶ درصد از تغییرات همنوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی را تبیین می‌کنند. از این میزان ۳۳/۷ درصد از تغییرات همنوایی به متغیر میزان دینداری دانشجویان تعلق

واحد افزایش در میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان تقریباً ۰/۲۲۱ از میزان هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی کاسته می‌شود.

دانشجویان با هنجارهای اجتماعی دارند. به ازای یک واحد افزایش در میزان دینداری دانشجویان، هم‌نوایی آنها با هنجارهای اجتماعی جامعه ۰/۶۰۸ بالا می‌رود و به ازای یک



نمودار ۱- توزیع نرمال باقی‌مانده‌های رگرسیونی

جدول ۸- الگوی تبیینی میزان هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی

الگو	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	ضریب تبیین اصلاح‌شده	خطای استاندارد برآورد	تغییرات ضریب تبیین	مقدار F	سطح معنی‌داری	مقدار دوربین و اتسون
۱	^a ۰/۵۸۱	۰/۳۳۷	۰/۳۳۵	۶/۲۹۳۴۵	۰/۳۳۷			
۲	^b ۰/۶۲۱	۰/۳۸۶	۰/۳۸۱	۶/۰۷۱۶۳	۰/۰۴۸	۸۷/۵۴۳	۰/۰۰۰	۱/۸۶۵

a. Predictors: (Constant), Religiosity b. Predictors: (Constant), Religiosity, Social Alienation Dependent Variable: Conformity

جدول ۹- ضرایب متغیرهای واردشده بر الگوی برازش رگرسیونی

الگو	ضرایب استانداردشده		مقدار T	سطح معنی‌داری	ضریب استاندارد		چند همخطی
	B	S.E			بتا	تولرانس	
۱	عرض از مبدأ	۵۳/۱۹۱	۲/۶۴۴	۲۰/۱۱۹	۰/۰۰۰	-	-
	میزان دینداری	۰/۵۶۲	۰/۰۴۶	۱۱/۹۴۳	۰/۰۰۰	۰/۵۸۱	۱/۰۰۰
۲	عرض از مبدأ	۵۷/۵۷۳	۲/۷۱۸	۲۱/۱۸۶	۰/۰۰۰	-	-
	میزان دینداری	۰/۵۸۹	۰/۰۴۶	۱۲/۸۶۳	۰/۰۰۰	۰/۶۰۸	۰/۹۸۵
	میزان بیگانگی اجتماعی	-۰/۱۱۱	۰/۰۲۴	-۴/۶۷۳	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۱	۰/۸۵

نتیجه

همسو با نتیجه پژوهش ماندگار (۱۳۹۲) است. توفیق‌ان‌فر و حسینی (۱۳۹۱) نیز با نتایج همسو با این پژوهش، به این نتیجه رسیدند که بین دو متغیر هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد و هم‌نوایی اجتماعی به میزان ۲۳ درصد

براساس نتایج پژوهش، تفاوت معنی‌داری بین میزان دینداری و هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی وجود دارد. همچنین بین بیگانگی اجتماعی و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. این نتایج

می‌کند؛ بنابراین، برای پیشگیری از چنین وضعیتی مشارکت دادن افراد جامعه به‌ویژه دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و تقویت احساس تعلق به جامعه و بالابردن میزان پذیرش اجتماعی و اجتناب از طرد اجتماعی آنان ضروری به نظر می‌رسد. همچنین می‌توان برای تنبیه افراد هنجارشکن به جای شرم‌نامه‌سازی جداکننده یعنی طرد اجتماعی از روش‌های غیررسمی مانند شرم‌نامه‌سازی پیونددهنده استفاده کرد.

از دیدگاه نظریه‌پردازان به‌ویژه دیویس نیز دین‌نیروی اخلاقی است که فرد را وادار می‌کند براساس ارزش‌های اجتماعی رفتار کند و اگر هم در مواردی قادر به دستیابی به اهداف متعالی خود نشد، به‌واسطه اهداف متعالی که جامعه برای همه افراد با هر منزلتی ایجاد کرده است، دچار افسردگی و ناامیدی نشود. او علاوه بر تأکید بر کارکردهای اجتماعی دین، به کارکردهای روان‌شناختی آن هم توجه کرده است. از نظر دورکیم نیز دین نقش مهمی در کم‌کردن بی‌عدالتی‌ها و ایجاد احساس یکپارچگی دارد و می‌تواند شعله‌های خودمحوری و خودپرستی را فرونشاند. با این بیان می‌توان گفت با وجود دین‌گریزی در جامعه از همنوایی افراد نسبت به هم کاسته می‌شود. به نظر دورکیم با کاهش همنوایی در جامعه، ممکن است مردم به‌سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند؛ در این صورت تمایلی به پیروی از مقررات اجتماعی نخواهند داشت؛ پس از جامعه طرد می‌شوند یا در معرض تمسخر دیگران قرار می‌گیرند. دورکیم معتقد است تقسیم کار برخلاف جوامع سنتی، به نوعی با پیشرفت به‌سوی فردگرایی همراه است و این برخلاف اجتماعی‌بودن انسان است. سراج‌زاده و پویافر (۱۳۸۷) نیز کارکرد دین در نظام‌های اجتماعی و نقش آن در حفظ تعادل و نظم اجتماعی را یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی در جامعه‌شناسی دین دانسته‌اند و میزان تأثیر دین و دینداری افراد بر کاهش احساس آنومی و جلوگیری از بروز شرایط آنومیک در جامعه را بررسی کرده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو متغیر احساس

بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان همنوایی اجتماعی، ۲۳ درصد از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می‌شود. براساس نتایج پژوهش، میزان همنوایی با هنجارهای اجتماعی و میزان دینداری رابطه مستقیم و معنی‌دار دارند. مریچی (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که می‌توان با بهره‌گیری از شیوه صحیح و تأییدشده دینی، رفتار فرزندان را مطابق ارزش‌های حاکم شکل داد. زارع و اسفندیاری (۱۳۹۲) دریافتند که پیوند با خانواده، پیوند با جامعه و پیوند با مدرسه تأثیر بسزایی در هنجارشکنی افراد دارد. وثوقی و ساری (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیدند که متغیرهای عدالت اجتماعی و رفتارهای ضد اجتماعی با بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار دارند. الفیوندری و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند نقض در فرایند احترام به هنجارهای اجتماعی سبب بروز اختلافات اجتماعی و پیشرفت نکردن جامعه می‌شود. بینمور (۲۰۱۰) بیان کرده است که احترام به هنجارهای اجتماعی می‌تواند در ارتقای عملکرد نظام اجتماعی برای رسیدن به رفاه اجتماعی در جامعه نقش مفیدی بازی کند. در مجموع، طبق نتایج پژوهش حاضر، پژوهش‌های پیشین و نظریه‌های حوزه همنوایی و بیگانگی می‌توان گفت اگر در جامعه‌ای به‌ویژه میان جوانان دانشجوی بیگانگی اجتماعی شیوع پیدا کند، در آن جامعه میزان آسیب‌های اجتماعی تشدید می‌یابد و رفتارهای مطابق با هنجارهای اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و هنجارشکنی‌ها نیز روند صعودی را طی خواهند کرد؛ زیرا یکی از عوامل اصلی همنوایی با هنجارهای جامعه احساس تعلق افراد به خانواده، دوستان و جامعه و همبستگی اجتماعی است. در شرایط بروز بیگانگی اجتماعی اعضای جامعه به‌ویژه جوانان نسبت به جامعه و هنجارهای آن بی‌تفاوت می‌شوند و احساس بی‌معنایی و پوچی در زندگی می‌کنند. این امر زمینه را برای رفتارهای ناهمنوا با هنجارها تقویت و میزان شیوع رفتارهای هنجارشکنانه را تشدید

دست یافت. والدین می‌توانند با آموزش ارزش‌های فرهنگی جامعه خود هنجارپذیری را در فرزندان تقویت کنند. خانواده‌ها می‌توانند با ایجاد فضای گرم و صمیمی سبب جذب جوانان به محیط خانه و خانواده شوند تا در دام دوست‌نماها گرفتار نشوند؛ زیرا بیشتر کجروی‌ها و ناهنجاری‌ها در اثر فاصله‌گرفتن نوجوانان و جوانان از خانه و خانواده و ارتباط با دوستان ناباب اتفاق می‌افتد. مسئولان محترم می‌توانند با ایجاد زمینه فعالیت‌های مذهبی بنیة دینی جوانان و خودکنترلی آنان را تقویت کنند.

منابع

ابراهیمی لویه، ع.؛ صحبتی‌ها، ع. و رضایی‌زاده، ه. (۱۳۹۳). «بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن؛ مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهرستان خدابنده»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، د ۵، ش ۱، ص ۱۷-۱.

بخارایی، الف. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*، تهران: قدیانی.

توفیق‌یان‌فر، ع. و حسینی، الف. (۱۳۹۱). «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل مرتبط با آن؛ نمونه: جوانان شهر یاسوج»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، س ۳، ش ۸، ص ۵۸-۴۵.

جوادی، ح.؛ علمی، م. و صباغ، ص. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر اجتماعی در احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، د ۴، ش ۱۴، ص ۴۵-۲۹.

جهانگیری، ج.؛ ابوترابی‌زارچی، ف.؛ تنها، ف. و ابوترابی‌زارچی، ح. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و ازخودبیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی در دانشگاه اصفهان»، *زن در فرهنگ و هنر*، د ۴، ش ۴، ص ۱۰۶-۸۹.

آنومی و کجروی با دینداری کل رابطه معکوس معنی‌داری دارند. همچنین دینداری از طریق کاهش احساس آنومی در افراد، در کاهش بروز کجروی تأثیر دارد. ولج و همکاران (۲۰۰۶) نیز ذکر کرده‌اند که مذهب سبب همنوایی بیشتر افراد با هنجارها می‌شود و رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهد. در همین راستا، ناکامورا^۱ (۱۹۶۷؛ ۱۹۶۸) نیز به این نتیجه رسیده است که عضو شدن در گروه‌های مذهبی در نهایت همنوایی با جامعه را تقویت می‌کند. همچنین یانگلی (۲۰۰۹) باورها و اعمال مذهبی را برای دستیابی به همزیستی ذهنی در جامعه یکی از عوامل مهم قلمداد کرده است. در راستای نظریه‌ها و پژوهش‌های پیشین، نتایج پژوهش حاضر نشان دادند دین یکی از عوامل مؤثر بر میزان همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، هر چقدر میزان دینداری بین دانشجویان بیشتر باشد به همان میزان همنوایی آنها با هنجارها بالاتر خواهد بود. اگر سستی در انجام اعمال دینی بین دانشجویان وجود داشته باشد، بستر و زمینه برای رفتارهای خلاف هنجاری شکل می‌گیرد و ممکن است هنجارشکنی تشدید شود. با این اوصاف می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی دین در جامعه به‌ویژه میان دانشجویان تقویت همنوایی آنها با هنجارهاست. نهاد دین از طریق برگزاری مراسم‌های مختلف مذهبی به همبستگی اجتماعی جامعه کمک زیادی می‌کند و از پراکندگی اعضای جامعه و جزیره‌ای شدن آن پیشگیری می‌کند؛ در واقع، دین با ایجاد و حفظ وحدت، یکپارچگی و انسجام اجتماعی در جامعه از بیگانگی اجتماعی افراد و هنجارشکنی آنها پیشگیری و افراد را به صورت‌های مختلف به تطبیق دادن خود با هنجارهای اجتماعی جامعه وادار می‌کند.

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند همنوایی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز با هنجارهای اجتماعی، از عوامل متعددی تأثیر می‌گیرد که می‌توان با تقویت عوامل تأثیرگذار مثبت و کنترل عوامل تأثیرگذار منفی به نتایج بهتری

¹ Nakamura

شیانی، م. و علی محمدی، م. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت»، *مجله تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، ش ۳، ص ۳۴-۲۱.

صادقی فسایی، س. و امینیان، الف. (۱۳۹۵). «از هنجارگرایی تا هنجارگریزی؛ سنخ‌شناسی هم‌نوایی اجتماعی و تحلیل کیفی شرایط علی مؤثر بر آن»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش ۲۰، ص ۱۰۴-۷۷.

طالبی، الف؛ امینی، س. و طلوع پارسا، ف. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر احساس آنومی بر امکان‌کنش ارتباطی؛ مورد مطالعه: شهر مشهد»، *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، د ۶، ش ۱، ص ۷۰-۵۱.

فولادیان، الف. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، س ۵، ش ۱۷، ص ۱۴۴-۱۲۵.

کریمی، ع. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی*، تهران: عابد.

کفاشی، م.؛ پهلوان، م. و عباس‌نژادعربی، ک. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی؛ مطالعه موردی: جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر بابل»، *فصلنامه پژوهشی اجتماعی*، س ۳، ش ۹، ص ۱۳۹-۱۱۷.

کوهن، آ. الف. (۱۳۹۲). *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: قومس.

ماندگار، ع. (۱۳۹۲). *بررسی همبستگی اجتماعی شهروندان شهر ارومیه و عوامل اجتماعی مرتبط با آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.

میریچی، ش. (۱۳۹۰). «بررسی نقش خانواده در کاهش انحرافات اجتماعی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، س ۴، ش ۸، ص ۷۲-۴۹.

حیدر نژادخیاوی، خ. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه بین میزان همزیستی اجتماعی در زمینه اجتماعی و فرهنگی در بین دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی شهر تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.

دانش، پ. و علی‌پور، پ. (۱۳۹۲). «مطالعه عوامل مرتبط با احساس آنومی فردی در میان دانشجویان دانشگاه تهران»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، د ۲، ش ۲، ص ۲۲۴-۲۰۳.

ریوتورت، ف. (۱۳۸۰). *نخستین درس‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسین نسجیان، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی.

زارع، ب. و اسفندیاری، م. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی هنجارشکنی‌ها در بین دانش‌آموزان سال سوم متوسطه خواف و بیرجند و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۱۰، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۴۶.

ساروخانی، ب. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: اطلاعات.

ستوده، ه. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: آوای نور.

سراج‌زاده، ح. و پویافر، م. (۱۳۸۷). «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، س ۱۶، ش ۶، ص ۱۰۵-۷۱.

سراج‌زاده، ح.؛ شریعتی‌مزیانی، س. و صابر، س. (۱۳۸۳). «بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۱، ش ۴، ص ۱۴۲-۱۰۹.

- Binmore, K. (2010) "Social Norms or Social Preferences." *Mind & Society*, 9: 139-158.
- Elfiondri, O. A. Dibya, P. & Uning, P. (2018) "Defining Indigenous Social Norms of Water-Related Taboo: Contemporary Social Attitude, Social Harmony and Development." *International Journal of Humanities and Social Science*, 8 (4): 116-121.
- Faily, L. (2016) *Social Harmony: An Iraqi Perspective*, LSE Middle East Centre Report, London School of Economics. Monography (Report).
- Nakamura, H. (1967) "Dochosei Tenuto no Shian." *Tokyo Toritsu Daigaku Jinbungaku-ho*, 59: 45-60.
- Nakamura, H. (1968) "Docho Gainen ni Tsuite no Insho Bunseki." *Tokyo Toritsu Daigaku Jinbungaku-ho*, 62: 31-41.
- Welch, M. R. Tittle, C. R. & Grasmick, H. G. (2006) "Christian Religiosity, Self-Control and Social Conformity." *Social Forces*, 84 (3): 1605-1623.
- Yang Liu, E. (2009). *Religion, Conformity and Subjective Well-Being in Contemporary Chinese Society*, Department of Sociology, Doctor of Philosophy Dissertation. Graduate Faculty of Baylor University.
- میرزایی، الف؛ احمدی، ی. بخارایی، الف. و نایی، هـ (۱۳۹۶). «قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی»، *جامعه‌پژوهشی فرهنگی*، د ۸، ش ۳، ص ۱۳۰-۱۰۳.
- نانوای، ن. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۱۵-۱۶*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.
- نواف، م؛ انگوتیا، م. و رایزمن، ل. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی*، ترجمه: محمد قلی‌پور، مشهد: آوای کلک.
- وثوقی، م. و ساری، م. (۱۳۸۷). «بیگانگی اجتماعی قشر جوان؛ مطالعه موردی: جوانان شهر تهران»، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، س ۱، ش ۱، ص ۱۷۳-۱۹۵.
- همیلتون، م. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: ثالث.